نیم نگاه

انفعال سیاسی مصریان و تردید اپوزیسیون مصر

تحریم انتخابات یا مشارکت؟

ابیگیل هاسلونر
ترجمه: حمیدرضا آریان‌پور

تمامی اپوزیسیون دولت اتوریته چندده‌ساله مصر می‌دانند که انتخابات این کشور دموکراسی ساختگی است، اما در مورد چگونگی واکنش به انتخابات پارلمانی نوامبر دچار دودستگی شده‌اند. اوایل این ماه، محمد البرادعی رئیس محبوب سابق سازمان انرژی اتمی که برای رهبری «ائتلاف ملی تغییر» به میهنش بازگشته است، اپوزیسیون را به تحریم انتخابات فراخواند. به گفته حامیان البرادعی، دور ماندن از انتخابات بهترین راه به چالش کشیدن مشروعیتی است که رژیم مصر به یاری انتخابات نمایشی مدعی آن است؛ انتخاباتی که قوانین آن برای نگه داشتن حکام در قدرت درست شده است اما بزرگ‌ترین اپوزیسیون مصر، اخوان‌المسلمین، در این مورد چندان مطمئن نیست. طرفداران تحریم امیدوارند تحریم جمعی انتخابات فشار بر دولت قاهره را برای گشودن فضای دموکراتیک - در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده و در میان تلاش‌های حسنی مبارک ۸۲ساله برای پیروز اعلام کردن پسرش جمال در انتخابات- افزایش دهد. تحریم همچنان می‌تواند جلوه نادری از اتحاد میان اپوزیسیون چنددسته و همچنان ضعیف مصر باشد.

ولی به‌رغم اشتیاق‌های آغازین در مورد پیام البرادعی، اخوان‌المسلمین در مورد تحریم انتخابات دچار تردید شده است و به سمت رد این ایده گرایش پیدا می‌کند. اخوان‌المسلمین در رقابت پارلمانی سال ۲۰۰۵، ۲۰ درصد کرسی‌های پارلمان را به دست آورد تا تبدیل به بزرگ‌ترین اپوزیسیون مصر شود. احزاب اپوزیسیون کوچک‌تر وافد و تاگامو پیش از این اعلام کرده‌اند نامزدهایی را برای انتخابات به میدان خواهند فرستاد. ایمن نور رقیب لیبرال البرادعی که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۵ با فاصله بسیار، جایگاه دوم را به دست آورد (اخوان‌المسلمین در این انتخابات شرکت نکرد)، اظهار داشته است حزب فردا انتخابات را تحریم خواهد کرد ولی برخی از اعضای آن ممکن است به عنوان چهره‌های مستقل در انتخابات حاضر شوند؛ اظهاراتی که بیشتر شبیه استهزا ایده تحریم است.

شکاکان حتی ارزش یک تحریم موفق را هم زیر سوال می‌برند. تارک مسعود استاد سیاست عمومی دانشگاه هاروارد با اشاره به اینکه تحریم انتخابات سال ۱۹۹۰ موفقیت اندکی به دست آورد، می‌گوید: «اینکه احزاب اپوزیسیون واقعاً نیرومند انتخابات را تحریم کنند یک مساله است و اینکه احزاب بسیار ضعیف انتخابات را تحریم کنند مساله دیگری است. احزاب باید سعی کنند کششی را در عموم مصری‌ها ایجاد کنند.» مسعود می‌گوید فراخوان تحریم، آخرین دلشکستگی در استراتژی کندرو البرادعی است. اخوان‌المسلمین با شرکت در انتخابات، نیرو و مشروعیت به دست آورده است و گروه‌های دیگر باید از این موضوع درس بگیرند. وی می‌افزاید: «آنچه مصر واقعاً به آن نیاز دارد شخصی مانند البرادعی است تا خودش را در چنین مهلکه‌ای بیندازد و واقعاً خودش را در خطر قرار دهد و بیشتر وقتش در مصر در حال مبارزه انتخاباتی و درگیری در تظاهرات برای فشار از پایین باشد.»

دیگران نگران این هستند که آیا رای‌دهندگان واجد شرایط که بیشتر آنان در انتخابات شرکت نمی‌کنند اصلاً از فراخوان تحریم

آگاه خواهند شد یا خیر. اما تحلیلگران و اعضای اپوزیسیون به این بحث می‌پردازند که حزب حاکم دموکرات ملی در هر حال اکثریت کرسی‌ها را جارو خواهد کرد زیرا نظام در جهت این حزب تجهیز شده است. همچنین محتمل نیست که اخوان‌المسلمین دستاوردهای بیشتری را ثبت کند. در ضمن شمار افرادی که در آخرین انتخابات پارلمانی حتی بدون هیچ فراخوانی به تحریم رای ندادند به طور ملامت‌انگیزی پایین بود. دیا راشوان یکی از تحلیلگران مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام در قاهره می‌گوید: «مردم معمولاً در انتخابات شرکت نمی‌کنند. آنها نیازی به تحریم ندارند. همان‌طور که می‌دانید، مصری‌ها در کل از نظر مشارکت سیاسی در سطح پایینی قرار دارند. آنها بحث و صحبت می‌کنند ولی مشارکت نمی‌کنند.»

تصمیم در مورد انتخابات پارلمانی هرچه باشد، اپوزیسیون در مقابل دورنمای تلاش مبارک برای به پیروزی رساندن جمال ۴۶ساله در حال رشد است. سه‌شنبه هفته گذشته در آخرین نمونه از جریان تظاهرات علیه رژیم که از زمان اعلام کمپین تغییر البرادعی در فوریه سرعت گرفته است، صدها نفر در تظاهراتی در قاهره و اسکندریه انتقال موروثی قدرت را به چالش کشیدند. تظاهرات‌کنندگان در ژانویه پس از آنکه یک مرد جوان مصری تا حد مرگ توسط نیروهای لباس‌شخصی کتک خورد، به سرعت تجمعی را برگزار کردند. هنوز هم معترضان به ندرت به ۲۰۰ نفر می‌رسند و اکثریت مصری‌ها به رغم تلاش‌های آنان منفعل مانده‌اند.

سه‌شنبه در محله پرجمعیتی در مرکز قاهره ساکنان از بالکن‌ها و پشت بام‌های منازل‌شان فریاد «مرگ بر مبارک» سردادند، پارچه‌نوشته‌هایی در محکومیت انتقال قدرت موروثی در دست داشتند و عکس‌های جمال مبارک را سوزاندند. روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان به آنها توجه کردند و پلیس ضدشورش و افراد لباس‌شخصی از اداره امنیت ملی چندین‌بار به آنها حمله کردند، برخی تظاهرات‌کنندگان را پرتاب کردند و بعضی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. برای اپوزیسیون مصر، این نمایش ضعیفی بود.حتی بسیاری از مردم دلسوز قاهره هم در مورد پیام تظاهرات‌کنندگان قانع نشده‌اند که چنین فعالیت‌هایی نتایجی را دربر خواهد داشت. مشارکت سیاسی می‌تواند هزینه‌های بالایی داشته باشد. ابا نوب عبدالمالک دانشجوی دانشگاه عین‌الشمس قاهره می‌گوید: «از دست مبارک خسته شده‌ایم.» این واکنش وی و بیشتر دوستانش در مورد پرسشی از احساس‌شان به دولت است. اما اقدام در مسیر این عقیده با پیوستن به تظاهرات؟ عبدالمالک با لبخندی مردد می‌گوید: «نه، ما کمی می‌ترسیم.»

منبع: تایم

معرفی و بررسی رویکرد لابی حامی اسرائیل؛ جی‌استریت

راه دوطرفه خیابان جی

سعید آقاعلیخانی

جی‌استریت؛ جرقه اولیه

«لابی حامی اسرائیل و سیاست خارجی امریکا» عنوانی به ظاهر ساده اما به شدت جنجال‌برانگیز است. زمانی که (آگوست ۲۰۰۷) دو استاد دانشگاه امریکایی، جان جی مرشایمر استاد علوم سیاسی «دانشگاه شیکاگو» و استفان‌ام والت استاد روابط بین‌الملل در «کندی اسکول دانشگاه هاروارد» در کتاب خود به بررسی نقش منفی لابی حامی اسرائیل بر سیاست خارجی امریکا پرداختند، هرچند واکنش تند این سازمان‌ها طبیعی بود و چندان دور از انتظار نبود که «آبراهام فاکسمن» مدیر انجمن ضدافترا (ADL) بعد از خواندن مقاله ابتدایی این کتاب در نشریه بررسی کتاب لندن (London Review of Books)، جوابیه‌ای طولانی به حجم کتاب «مرگبارترین دروغ‌ها: لابی اسرائیل و افسانه تسلط یهود» بنویسد اما هیچ کس فکر نمی‌کرد این نگاه منتقدانه به نقش لابی‌های یهودی، خود، جرقه اولیه فعالیت سازمان جی‌استریت شود؛ جریانی که هرچند خواهان بقای اسرائیل است اما با نگرشی متفاوت، خود را رقیب قدرتمند لابی‌های راستگرای یهودی در امریکا می‌داند. کمیته روابط عمومی امریکایی- اسرائیل (آیپک)، کمیته یهودیان امریکا، انجمن روسای سازمان‌های یهودی امریکا و یک دوجین موسسه بزرگ و کوچک دیگر نام‌هایی هستند که در یک چیز مشترک‌اند؛ حمایت از راستگرایان اسرائیل- به ویژه حزب لیکود- و استفاده از نفوذ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود برای تاثیر بر مراکز تصمیم‌گیری امریکا در جهت منافع اسرائیل؛ مجموعه سیاست‌هایی که رویکرد آن عمدتاً در تضاد با مفاد قرارداد صلح اسلو اما باب طبع تندروهای اسرائیل است. گروه‌های حامی اسرائیل که به لابی اسرائیل یا گروه‌های فشار حامی اسرائیل نیز شهره‌اند علاوه بر رسانه‌ها و مراکز تصمیم‌گیری در شماری از مهم‌ترین مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی امریکا چون امریکن‌اینترپرایز انستیتو، انستیتو بروکینگز، مرکز سیاست امنیتی، انستیتو تحقیقات سیاست خارجی، بنیاد هریتیج، انستیتو هادسن و... نیز نفوذ کرده‌اند و حضوری تعیین‌کننده در این مراکز مطالعاتی دارند. طی ۲۵ سال گذشته لابی راستگرای اسرائیل در ایالات متحده، موفق به توسعه جغرافیای نفوذ خود در مراکز حساس شده است و شاید همین وضعیت به آیپک (The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy) قدرتمندترین لابی حامی اسرائیل این اعتماد به نفس را داده است که خود را تنها یا موجه‌ترین سخنگوی یهودیان امریکایی بداند. چنین ادعایی اگرچه برای راستگرایان یهودی در امریکا و اسرائیل خوشایند است اما در سوی دیگر این ماجرا یهودیانی هستند که هرچند آنان نیز خود را حامی موجودیت اسرائیل می‌دانند اما آیپک را آیینه تمام‌نمای خواسته یهودیان نمی‌دانند و قصد هماوردی با آن را دارند. جی‌استریت نام نهادی است که آبشخور حمایت از اسرائیل را نه در اردوگاه محافظه‌کاران بلکه در میان لیبرال‌هایی می‌بیند که حمایت از اسرائیل را چیزی جدا از حمایت بی‌قید و شرط از احزاب تندرو حاکم در اسرائیل می‌داند و به این ترتیب- سازمانی که اکنون دو سال از تاسیس آن گذشته است- تلاش دارد به عنوان رقیب لیبرال و هوادار صلح، در برابر آیپک محافظه‌کار پا به میدانی بگذارد که در آن لابی‌های اسرائیلی هرچند در عنوان حمایت از اسرائیل همداستان‌اند اما در مقید بودن یا نبودن این حمایت یا مصادیق آن دچار اختلاف‌اند.

جی‌استریت و مطالبات متفاوت

هرچند در نقشه شهرهای امریکا نام خیابان‌ها به طور کامل ذکر نمی‌شود و به ذکر نام اول آنها اکتفا می‌شود- و به این ترتیب نام شماری چند از خیابان‌هایی که با حرف جی شروع می‌شوند را می‌توان «جی‌استریت» دانست- اما در نقشه شهرهای امریکا خیابانی با نام مستقل «جی» وجود ندارد، به همین دلیل برخی، علت نامگذاری این لابی جدید به این عنوان را از آن رو می‌دانند که «جی» در زبان انگلیسی مختصر نام یهود (Jewish) است و بنیانگذاران سازمان مدعی‌اند که آنها «صدای ناشنیده» سیاست خارجی امریکا- به ویژه در خاورمیانه- هستند اما اگر این ادعای «اسحاق لوریا» سخنگوی سازمان جی‌استریت درست باشد که این سازمان «بازوی سیاسی جنبش حامی اسرائیل و صلح» و به دنبال «دعوت دولتمردان امریکایی به پایان دادن مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک نزاع اعراب- اسرائیل» است، شاید بتوان اینچنین از نام این سازمان رمزگشایی کرد که جی‌استریت اشاره کنایه‌آمیزی است به ضرورت نامگذاری خیابانی در نقشه‌های در نظر گرفته‌شده برای حل بحران‌های موجود میان فلسطینیان و اسرائیل که برخلاف دیگر خیابان‌های یکطرفه، صرفاً دغدغه تامین خواست تندروهای مخالف صلح در اسرائیل را ندارد و اکنون با دو سوال بحث برانگیز رویکرد کنونی دولت اسرائیل و لابی آیپک را به چالش گرفته است. از نظر جی‌استریت اکنون وقت آن رسیده است، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا اسرائیل می‌تواند به عنوان یک دولت یهودی، روابطی مسالمت‌آمیز و عادی با همسایگان خود داشته باشد یا آنکه می‌خواهد به شکل نامشروع به اشغال اراضی ادامه دهد، به سیاست‌های دولت اوباما برای حل بحران فلسینی- اسرائیلی دهن‌کجی کند و در انزوای خودساخته خود گرفتار بماند؟ پاسخ از نظر این سازمان بسیار روشن است؛ اول آنکه دولت امریکا باید از تاسیس دو دولت اسرائیلی و فلسطینی با پایتخت مشترک (قدس غربی و شرقی) حمایت و در این راستا فشار لازم را بر دولت نتانیاهو وارد کند نه آنکه همچون لابی آیپک خود را ملزم به حمایت بی‌قید و شرط از تندروهای دولت اسرائیل بداند، دوم اینکه دولت مستقل فلسطینی باید هرچه زودتر تشکیل شود و اسرائیل به مرزهای قبل از ۱۹۶۸ بازگردد و این نکته روشن شود که مخالفت یک یهودی با سیاست‌های افراطی دولت اسرائیل نمی‌تواند به زیر سوال بردن او و اتهام خیانت به اسرائیل منتهی شود و سوم اینکه حماس نیز به عنوان یک مهره کلیدی و با میانجی‌گری بین‌المللی باید به عنوان طرف گفت‌وگو به رسمیت شناخته شود.

موفقیت‌های جی‌استریت

با اینکه بیش از یک سال از تاسیس جی‌استریت نگذشته اما این سازمان مدعی است علاوه برآنکه گفتمان «حمایت از اسرائیل بدون حمایت از تندروهای اسرائیل» را، حتی در میان مقامات کاخ سفید جا انداخته است، موفق به افزایش هواداران خود و جذب کمک‌های فراوان نیز شده است. روزنامه واشنگتن‌پست نیز در این‌باره می‌گوید: «گروهی که یهودیان لیبرال به امید جمع‌آوری ۵۰ هزار دلار برای نامزدهای کنگره تاسیس کردند، اکنون موفق شده ۶۰۰ هزار دلار برای ده‌ها دموکرات و جمهوریخواه جمع‌آوری کند و بنیانگذاران سازمان ادعا می‌کنند از ۴۱ نامزد مورد حمایت سازمان ۳۳ نامزد در انتخابات پیروز شده‌اند.» جی‌استریت با انجام نظرسنجی‌های دقیق نشان داده است که چگونه محبوبیت اوباما در میان یهودیان امریکا افزایش ۱۵ درصدی داشته است زیرا بیشتر یهودیان امریکا با شهرک‌سازی‌ها مخالف‌اند و از نقش پررنگ‌تر امریکا در طرح صلح عربی- اسرائیلی حمایت می‌کنند و این برخلاف رویکرد آیپک و هم‌پیمانان محافظه‌کار آن است. بنابر این برآورد، بیشتر یهودیان از انتقاد علنی اوباما از دولت اسرائیل- به خاطر کارشکنی در روند صلح- نیز حمایت می‌کنند و باز، بنابر نظرسنجی‌ها؛ مشخص شده است اسرائیل مهم‌ترین مساله یهودیان نیست بلکه از نظر یهودیان مشارکت‌کننده در نظرسنجی‌ها، مسائل مربوط به اسرائیل در اولویت قرار دارد. جرمی بن عامی موسس سازمان جی‌استریت طی مصاحبه‌ای (ماه مه گذشته) با نیویورک‌تایمز به صراحت می‌گوید: «یهودیان از اینکه دولت اسرائیل از آنان بپرسد با ما هستید یا علیه ما؟ متنفرند و بیشتر یهودیان امریکایی خواستار تشکیل دولت مستقل فلسطینی- در کنار دولت اسرائیل- هستند و میان سازوکارهایی که برآورده‌کننده نیاز دولت اسرائیل است با سازوکارهایی که برآورده‌کننده نیازهای یهودیان امریکایی است، قائل به تفاوت‌اند.» بن عامی در این مصاحبه از افزایش آن دسته از حامیان اسرائیل خبرداد که مخالف رویکرد سنتی نگرش به سیاست‌های اسرائیل هستند و معتقدند برای علاقه‌مندی به بقای اسرائیل، ضرورتاً نباید بنده سیاست‌های دولت اسرائیل بود؛ باوری که به عقیده موسسان جی‌استریت، موفقیتی بزرگ در راه پایان دادن به ترکتازی لابی‌هایی چون آیپک است. نیویورک‌تایمز طی تحلیلی در مورد دلایل موفقیت جی‌استریت می‌نویسد: «جی‌استریت توانسته است، ضمن اتخاذ موضع حامی اسرائیل، موضعی حامی صلح را نیز- در آن واحد- اتخاذ کند و این همان چیزی است که با سیاست‌های اوباما سازگاری داشته و برای یهودیان امریکایی توجیهی منطقی دارد.» در ماه مارس گذشته و درست زمانی که «جو بایدن» معاون رئیس‌جمهوری امریکا به اسرائیل رفته بود تا پیام حسن نیت دولت اوباما را به اسرائیلی‌ها ابلاغ کند، اسرائیل با اعلام اینکه مجتمع‌های مسکونی یهودی‌نشین را در- بخش عربی- قدس شرقی ایجاد خواهد کرد، در واقع تلاش‌های اوباما برای صلح را به چالش گرفت تا جایی که بایدن این اقدام را «اهانتی غیرقابل تحمل» دانست. هرچند این مساله که اسرائیل در قبال خواست امریکا مبنی بر توقف شهرک‌سازی‌ها مقاومت کند، مساله جدیدی نیست اما نکته بی‌سابقه در این ماجرا آن بود که این بار، مقامات امریکایی- شاید- به دلیل توسعه نفوذ جی‌استریت، زمینه را فراهم دیدند که خشم خود را در قبال اقدام غیرمسوولانه اسرائیل ابراز کنند؛ تحلیلی که درست هم از آب درآمد زیرا ساعاتی پس از اینکه اسرائیل از قصد خود مبنی بر ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین جدید پرده برداشت، جی‌استریت به عنوان گروه فشار و در عین حال تشکلی حامی اسرائیل و صلح، بیانیه‌ای را با امضای ۱۸ هزار تن از شهروندان یهودی امریکا در سایت خود منتشر کرد و سیاست‌های اوباما را در قبال مساله فلسطینی- اسرائیلی، مورد تایید قرار داد. امی اسپیتلنیک مسوول امور رسانه‌ای جی‌استریت، در این باره گفته است: «ما خواستار تضعیف اسرائیل نیستیم اما بخش عمده‌ای از یهودیان امریکایی، درعین علاقه‌مندی به بقای اسرائیل، خواستار صلح و حامی میانه‌روی هستند و ما هم، زمینه بیان دیدگاه‌های آنان را فراهم می‌کنیم.» برخی تحلیلگران معتقدند درست است نفوذ لابی لیبرال‌های جی‌استریت به اندازه راستگرایان آیپک نیست اما این سازمان اکنون به عنوان یک رقیب جدی، وارد منظومه لابی‌های یهودی شده است.

> **نکته**
>
> **جی‌استریت نام نهادی است که آبشخور حمایت از اسرائیل را نه در اردوگاه محافظه‌کاران بلکه در میان لیبرال‌هایی می‌بیند که حمایت از اسرائیل را چیزی جدا از حمایت بی‌قید و شرط از احزاب تندرو حاکم در اسرائیل می‌داند و به این ترتیب- سازمانی که اکنون دو سال از تاسیس آن گذشته است- تلاش دارد به عنوان رقیب لیبرال و هوادار صلح در برابر آیپک محافظه‌کار پا به میدانی بگذارد که در آن لابی‌های اسرائیلی هرچند در عنوان حمایت از اسرائیل همداستان‌اند اما در مقید بودن یا نبودن این حمایت یا مصادیق آن دچار اختلاف‌اند.**

وقتی دعوا بالا می‌گیرد

اینکه یک سازمان حامی اسرائیل رویکردی لیبرال داشته باشد، البته مساله جدیدی نیست کمااینکه «امریکایی‌های حامی صلح» و «صندوق جدید اسرائیل» از جمله سازمان‌های لیبرال و به اصطلاح غیرانتفاعی هستند که با هدف تاثیرگذاری بر رای‌دهندگان و سیاستمداران امریکایی تشکیل شده‌اند، اما شاید در میزان جاه‌طلبی و مبارزه‌جویی آن هم با لابی قدرتمندی چون آیپک، جی‌استریت مورد منحصربه‌فردی باشد. مسوول امور رسانه‌ای این سازمان در مصاحبه‌ای که در سایت آن منتشر شده است، می‌گوید: «سازمان ما انتظار دارد در سال جاری بتواند کمک لازم برای حمایت از ۶۰ نامزد انتخابات میان‌دوره‌ای سنا را جذب کند. ما اکنون دارای بودجه سه میلیون دلاری برای تداوم فعالیت‌های خود و ده‌ها کارمند دائمی هستیم. این سازمان مفتخر است ۱۱۰هزار هوادار در سایت این سازمان ثبت‌نام کرده‌اند که هفت هزار تن از آنها به شکل مستمر به سازمان کمک مالی می‌کنند.» نگاهی به توانمندی‌های جی‌استریت زمانی قابل تامل می‌شود که در نظر داشته باشیم، آیپک رقیب سرسخت جی‌استریت به عنوان تشکلی حامی اسرائیل با رویکرد محافظه‌کارانه، همچنان قدرتمندترین گروه فشار یهودی تلقی می‌شود زیرا بودجه این سازمان ۶۰ میلیون دلار و دارای ۳۰۰ کارمند است و این جدا از قدرت و نفوذ غیرقابل انکار آیپک بر اعضای کنگره است؛ نفوذی که گاه تن به اسطوره می‌زند و این‌گونه بر سر زبان‌ها افتاده است که گروه فشار آیپک به نمایندگی از طیف راست اسرائیل، تصمیم‌های کنگره امریکا را جهت می‌دهد و اکثریت را به حمایت از خواسته‌های خود وامی‌دارد. در کنفرانس‌های سالانه آیپک، تقریباً نیمی از اعضای کنگره شرکت دارند و مسیحیان صهیونیست امریکا- که مسیحیان متحد حامی اسرائیل نیز جزء آن هستند- نیز از هم‌پیمانان آیپک هستند. مقر آیپک در سن آنتونیوی تگزاس بیش از ۱۹ هزار عضو دائمی دارد. شاید نیاز به بیان نباشد که از نظر برخی، رقابت و نزاع میان آیپک و جی‌استریت در واقع سرشاخ شدن جدی دو نگرش راستگرا و لیبرال است و از نظر برخی دیگر تنها یک بازی «موش و گربه» که در سطح برخی لفاظی‌های عامیانه سیاسی باقی مانده است. آنهایی که رقابت میان این دو لابی یهودی را جدی می‌گیرند، البته شاهد مثال‌های فراوانی برای اثبات ادعای خود می‌آورند. برای مثال هنگام محاصره غزه توسط اسرائیل (دسامبر ۲۰۰۸)، دونا ادواردز عضو مجلس نمایندگان از مریلند از جمله افراد موثری بود که باعث شد، طرح شماری از نمایندگان که حمله اسرائیل به غزه را مصداق «دفاعی مشروع» می‌دانستند، رد شود. این اقدام ادواردز و ۲۱ تن دیگر از نمایندگان، باعث خشم برخی رهبران یهودی محلی شد تا جایی که آیپک تصمیم گرفت در حوزه انتخابیه ادواردز، رقیبی جدی برای او دست و پا کند اما جی‌استریت با جمع‌آوری ۴۸ ساعته ۳۰ هزار دلار در حمایت از وی وارد میدان شد و آیپک نیز ترجیح داد از تصمیم خود دست بردارد. جی‌استریت در جریان تجاوز ارتش اسرائیل به نوار غزه نیز توانست ۳۰ هزار امضا در اعتراض به این اقدام خصمانه جمع‌آوری و در اینترنت منتشر کند و به این وسیله این تجاوز را محکوم کند و آن را «جنگ نابرابر و واکنشی غیرمعمول» بخواند تا ثابت کند به شکل جدی مخالف تندروی و روش‌های نظامی است. اسحاق لوریا سخنگوی رسمی جی‌استریت نیز در همان زمان اعلام کرد: «درست است که شلیک موشک علیه مردمان اسرائیلی یا فرستادن انتحاری‌ها به اسرائیل اقدامی نکوهیده است، اما در همان حال مجازات ۱/۵ میلیون جمعیت غزه به خاطر اعمالی که چند تندرو مرتکب شدند، محکوم است.» هماوردی‌های جی‌استریت البته با واکنش‌های تند راستگرایان نیز مواجه شده است، چنان که بسیاری از سیاستمداران تندرو اسرائیل ابایی از این ندارند که با رصد فعالیت‌های جی‌استریت، به این نتیجه برسند که اوباما دست‌نشانده دو یهودی مرتد یعنی «رام امانوئل» و «دیوید اکسلرود» است و فردی چون «جی‌جی گولدبرگ» نویسنده کتاب «حاکمیت یهود درون سازمان‌های امریکایی»، هدف مشاوران یهودی به اعتقاد او «مرتد» اوباما را «سرکوب یهودیان امریکا» از طریق قدرتمند ساختن دو سازمان «امریکایی‌ها برای صلح، اکنون» و «جی‌استریت» بدانند. جی‌استریت همچنین هماهنگ‌کننده دیدار اعضای کنگره از اسرائیل است و این کار را برای مقابله با «برنامه‌های دیدار»ی انجام می‌دهد که مقامات اسرائیلی برای قانونگذاران امریکایی در اسرائیل ترتیب می‌دهند. در فوریه گذشته، روزنامه‌های اسرائیلی برای اولین بار از سفر گروهی از دموکرات‌های کنگره به اسرائیل، آن هم با هماهنگی جی‌استریت خبر دادند و زمانی که «دانی ایالون» معاون وزیر خارجه اسرائیل، طی مصاحبه‌ای دیدار با این افراد را تکذیب کرد، «ویلیام دلاهانت» عضو مجلس نمایندگان از ماساچوست- که ریاست این گروه را بر عهده داشت- ضمن سرزنش ضمنی ایالون، این انکار را یک «شوک حقیقی» و «رفتاری ناامیدکننده» توصیف کرد و این ادعای دانی ایالون مبنی بر «ماهیت ضداسرائیلی جی‌استریت» را «افترایی برای تحت‌الشعاع قرار دادن انگیزه‌های اصلی این دیدار» دانست. دلاهانت در این باره گفته بود: «این عاقلانه نیست که به خاطر اختلاف در روش رسیدن به اهداف مشترک خود- که صلح و امنیت است- اهتمام یک گروه در حمایت از ذات دولت اسرائیل را مورد تردید قرار دهیم.»

نگاهی واقعی‌تر به جی‌استریت

هرچند برخی نویسندگان عرب همچون «اسعد عبدالرحمن» نویسنده پایگاه اینترنتی «مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین»، به سیاق معمول در تحلیل خود و برآورد میزان نفوذ سازمانی چون جی‌استریت، نگاه بیش از اندازه خوش‌بینانه و توام با مبالغه‌ای از خود نشان می‌دهند و گاه از آغاز روند جدید چپگرا در مقابل راستگرایان آیپک یا هواداران چند صدهزار نفری جی‌استریت سخن می‌گویند اما تحلیلگرانی چون «استیون گالن» نویسنده سابق نیوزویک معتقدند بعید است جی‌استریت یا سایر لیبرال‌ها، بتوانند تاثیر چندانی بر سیاست خاورمیانه‌ای امریکا بگذارند. به عقیده این عده، ایجاد فضای کار برای یهودیان لیبرال در امریکا در برابر حقایق موجود در فلسطین و نیز فضای راستگرایانه حاکم بر اسرائیل مساله‌ای بی‌اهمیت و تاثیر آن در اندازه یک «بازی موش و گربه» تقلیل یافته است. این تحلیلگران معتقدند نمی‌توان به تداوم استقلال جی‌استریت و حفظ تفاوت ماهوی آن با آیپک چندان امیدوار بود، زیرا رویکرد جی‌استریت در مقایسه با آغاز کارش، از یک سو رفته‌رفته رنگ و بویی از محافظه‌کاری ناشی از فضای محیط سیاسی در امریکا را می‌گیرد و از سوی دیگر بر اساس همان سنت «عامی کردن مسائل سیاسی» در امریکا می‌توان به خوبی مشاهده کرد که چگونه جی‌استریت ترجیح می‌دهد برخی اختلاف‌های خود با لابی‌های راستگرا را در رسانه‌ها به مفاهیم عوام‌فریبانه‌ای چون نزاع میان «داود و جالوت» نزدیک کند، حال آنکه وقتی پای مسائل جدی‌تری در بحران خاورمیانه به میدان باز می‌شود،جی‌استریت سعی می‌کند بیش از صلح، پایبند مقتضیات فعالیت سیاسی در امریکا باشد. آرون دیوید میلر از محققان «مرکز بین‌المللی وودرو ویلسون» و مشاور امور خاورمیانه‌ای وزارت خارجه امریکا، طی مصاحبه‌ای در این باره گفته است: «فکر نمی‌کنم تنها یک سازمان بتواند تغییر چندانی صورت دهد زیرا به عقیده من فراهم کردن زمینه صلح بیشتر از آنکه تابع فعالیت‌های داخل امریکا باشد بستگی به عزم و اراده خود اعراب و اسرائیل دارد.» هرچند جی‌استریت تاکنون به شکل جدی سنت مافیایی راستگرایان تندرو سازمان‌هایی چون آیپک را به چالش گرفته‌است اما اگر نگاهی واقع‌بینانه به عملکرد جی‌استریت بیندازیم متوجه خواهیم شد این سازمان آنگونه که تبلیغ می‌شود نیز نتوانسته مستقل و کاملاً لیبرال ظاهر شود و در موارد متعددی، لیبرال‌هایی را که به آن امید بسته بودند، ناامید کرده است. شاهد مثال آن دسته که امروز ناامیدانه از فرجام جی‌استریت لیبرال سخن می‌گویند البته کم نیست؛ برای مثال در تابستان گذشته وقتی برخی اعضای سنا تحت فشار قرارگرفتند و بیانیه درخواست آیپک مبنی بر دعوت اعراب به عادی‌سازی روابط با اسرائیل- بدون اشاره به کارشکنی از طریق شهرک‌سازی‌های اسرائیل- را امضا کردند یا قانون تشدید مجازات‌ها علیه ایران- که حتی خود دولت امریکا معتقد بود کمی تندروانه است- تصویب شد، جی‌استریت، سکوت کرد یا زمانی که آیپک سیاستمداران تحت نفوذ خود را وادار کرد گزارش حقوق بشر مبنی بر ارتکاب «جنایت علیه بشریت» از سوی هر دو طرف فلسطینی- اسرائیلی را محکوم کند، جی‌استریت برای خنثی کردن این اقدام کاری انجام نداد. اگرچه جی‌استریت اکنون متهم است که در بزنگاه‌های مهم و حیاتی، منفعل ظاهر شده است اما همچنان اصرار دارد که رویکردی متمایز از محافظه‌کاران و گروه‌های فشاری چون آیپک داشته باشد، به همین دلیل نیز تلاش می‌کند بر سیاست خود مبنی بر حمایت از توقف شهرک‌سازی‌ها در مناطق اشغالی، تکیه و آن را جزیی از افتخارات لیبرال‌منشانه خود معرفی کند اما همین رویکرد نیز با در نظر داشتن اینکه خود دولت امریکا اکنون پا را فراتر از این خواسته گذاشته است و از «برچیدن شهرک‌ها» سخن می‌گوید، اقدام چندان خارق‌العاده‌ای به نظر نمی‌رسد. گذشته از پاره‌ای ملاحظات که امروز جی‌استریت را در مظان اتهام تن دادن به مقتضیات سیاسی و کم‌توجهی به آرمان‌های لیبرالیستی قرار داده است، نوع نگرش این لابی یهودی نیز خالی از تناقض نیست. جی‌استریت خود را سازمان حامی اسرائیل و معتقد به روند صلح می‌داند اما نوع نگاه این سازمان به خاورمیانه بسیار ساده‌انگارانه و فاقد افق کلی است که بحران خاورمیانه را زنجیره‌ای به هم پیوسته با دخالت موثر عناصر کلیدی متعدد بشمارد. به عبارت دیگر این سازمان خطوط کلی سیاست‌های خود برای اتخاذ روندی متفاوت با آیپک در مسائل مربوط به ایران، سوریه و حزب‌الله را ترسیم نکرده و در عوض رویکرد خود را محدود به مسائلی چون شهرک‌ها یا برخی گروه‌های فلسطینی کرده است. شاید این چندان منصفانه نباشد که بعد از سالیان متمادی تساهل دولت امریکا در قبال راستگرایان، اینک منکر برخی تاثیرهای جی‌استریت بر دولت امریکا شد یا تمام تحولات اخیر را در حد یک بازی تبلیغاتی دانست اما نمی‌توان این حقیقت را از نظر دور داشت که این تاثیرها در محدوده کانون‌های سیاسی امریکا باقی می‌ماند و تندروی‌هایی که جی‌استریت برای مقابله با آن برخاسته است، دامنه‌ای وسیع‌تر از توانایی محدود یک لابی لیبرال دارد. ایال پرز عضو موسسه میانه‌رو «امریکای جدید» طی گزارشی در مجله «بررسی کتاب نیویورک» در ۲۹ آوریل ۲۰۱۰ به خوبی این مساله را مورد بررسی قرار داده و به افزایش قدرت ملی‌گرایان و بنیادگرایان یهودی و تاثیر رو به افزایش آنان در میان نظامیان اسرائیلی اشاره کرده است. اگر آنچه ایال پرز و پاره‌ای از تحلیلگران در مورد واقعیت‌های تلخ راستگرایی در اسرائیل می‌گویند، درست باشد و این مساله را نیز در نظر داشت که سازمان‌هایی چون آیپک با اتکا به این زمینه مشرک در میان سیاستمداران، شهروندان و نظامیان اسرائیل به ترکتازی خود ادامه می‌دهند. شاید بی‌راه نباشد که همزمان با تعقیب اقدامات لیبرال‌های جی‌استریت به سربازان اسرائیلی نیز فکر کرد که به گفته ایال پرز، نفوذ ملی‌گرایان تندرو یا بنیادگرایان یهودی در میان آنان به آن پایه رسیده است که بعید نیست حتی در قبال دستور تخلیه یا تخریب شهرک‌ها، دست به یک تمرد دسته‌جمعی بزنند.

یادداشت

خرس‌های روسی در آرزوی قطب شمال

اردشیر زارعی‌قنواتی

تحرک دیپلماتیک روسیه برای تملک سرزمینی بر بخش‌هایی از قطب شمال طی هفته‌های اخیر، ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است. البته بحث و ادعای حق حاکمیت مسکو بر این مناطق قطبی از سال ۲۰۰۱ میلادی همواره مطرح بوده است و این کشور با طرح موسوم به «خط شلف» به عنوان دامنه فلات قاره زیر اقیانوس منجمد شمالی، ادعای مالکیت خود را به سازمان ملل متحد برد. در آن زمان سازمان ملل متحد به این دلیل که مدارک و اسناد ارائه‌شده توسط مسکو ناکافی است، درخواست پذیرش مالکیت آنان بر بخش مهمی از قطب شمال را رد کرد. چندی بعد، روس‌ها در یک اقدام نمادین و سمبلیک با فرستادن یک زیردریایی کوچک ولی منحصربه‌فرد به عمق آب‌های اقیانوس منجمد شمالی، پرچم این کشور را زیر یخ‌های قطبی نصب کردند. اقدامات رهبران کرملین در خصوص ادعای مالکیت بر بخشی از قطب شمال موجب شد دیگر کشورهای حاشیه این حوزه چون ایالات متحده، کانادا، دانمارک و نروژ نیز در این مورد به کاروان مدعیان بپیوندند. در روزهای ۲۲ و ۲۳ سپتامبر از طرف انجمن جغرافیای روسیه همایش بین‌المللی «قطب شمال- قلمرو گفت‌وگو» در مس